



# نگاهی به روان‌شناسی اسلامی

به کوشش  
مرتضی فرقانی  
نجیب‌الله نوری  
علیرضا شیخ‌شعاعی

زیر نظر:  
آیت‌الله سیدمحمد غروی  
حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر مسعود آذربایجانی



پژوهشگاه حوزه و دانشگاه  
زمستان ۱۳۹۴

فرقانی، مرتضی، ۱۳۵۸- .  
نگاهی به روان‌شناسی اسلامی / مرتضی فرقانی، نجیب‌الله نوری و علیرضا شیخ‌شعاعی؛ زیر نظر سیدمحمد غروی  
و مسعود آذربایجانی. - قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۱.  
ده، ۲۹۴ص: جدول. - (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه؛ ۲۲۱: روان‌شناسی؛ ۲۳)  
بها: ۵۷۰۰۰ ریال  
فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیبا.  
کتابنامه: ص. [۲۳۹]-۲۴۷: همچنین به صورت زیرنویس.  
نمایه.  
۱. روان‌شناسی اسلامی. الف. غروی، سیدمحمد، ۱۳۲۹- ، ناظر. ب. آذربایجانی، مسعود، ناظر. ج. پژوهشگاه  
حوزه و دانشگاه. د. عنوان.  
۱۳۹۱ ۸ف/۲۳۲/۶۵ BP ۴۸۵ / ۲۹۷  
شماره کتابشناسی ملی  
۲۷۸۴۶۳۲



### نگاهی به روان‌شناسی اسلامی

به کوشش: مرتضی فرقانی، نجیب‌الله نوری و علیرضا شیخ‌شعاعی  
زیر نظر: سیدمحمد غروی و دکتر مسعود آذربایجانی  
ویراستار: سعیدرضا علی‌عسکری  
صفحه‌آرایی: کاما  
چاپ سوم: زمستان ۱۳۹۴ (چاپ دوم: زمستان ۱۳۹۳)  
تعداد: ۱۰۰۰ نسخه  
لیتوگرافی: سعیدی  
چاپ: قم - جعفری  
قیمت: ۱۱۰۰۰ تومان

کلیه حقوق برای پژوهشگاه حوزه و دانشگاه محفوظ و نقل مطالب با ذکر مأخذ بلامانع است.

قم: ابتدای شهرک پردیسان، بلوار دانشگاه، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تلفن: ۰۲۵-۳۲۱۱۱۱۰۰ (انتشارات: ۰۲۵-۳۲۱۱۱۳۰۰) نمایر: ۰۲۵-۳۲۸۰۳۰۹۰  
ص.پ. ۳۱۵۱-۳۷۱۸۵ ● تهران: خ انقلاب، بین وصال و قدس، نبش کوی اُسکو، تلفن: ۰۲۶۰۰۶۶۴ و ۰۲۱-۶۶۹۷۸۹۲۰  
فروش اینترنتی: [www.ketab.ir/rihu](http://www.ketab.ir/rihu)      [info@rihu.ac.ir](mailto:info@rihu.ac.ir)      [www.rihu.ac.ir](http://www.rihu.ac.ir)

## سخن پژوهشگاه

پژوهش در علوم انسانی به منظور شناخت، برنامه‌ریزی و ضبط و مهار پدیده‌های انسانی در راستای سعادت واقعی بشر ضرورتی انکارناپذیر و استفاده از عقل و آموزه‌های وحیانی در کنار داده‌های تجربی و در نظر گرفتن واقعیت‌های عینی و فرهنگ و ارزش‌های اصیل جوامع، شرط اساسی پویایی، واقع‌نمایی و کارایی این گونه پژوهش‌ها در هر جامعه‌ای است.

پژوهش کارآمد در جامعه ایران اسلامی در گرو شناخت واقعیت‌های جامعه از یک‌سو و اسلام به عنوان متقن‌ترین آموزه‌های وحیانی و اساسی‌ترین مؤلفه فرهنگ ایرانی از سوی دیگر است؛ از این رو، آگاهی دقیق و عمیق از معارف اسلامی و بهره‌گیری از آن در پژوهش، بازنگری و بومی‌سازی مبانی و مسائل علوم انسانی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است.

توجه به این حقیقت راهبردی از سوی امام خمینی (ره) بنیانگذار جمهوری اسلامی، زمینه شکل‌گیری دفتر همکاری حوزه و دانشگاه را در سال ۱۳۶۱ فراهم ساخت و با راهنمایی و عنایت ایشان و همت اساتید حوزه و دانشگاه، این نهاد علمی شکل گرفت. تجربه موفق این نهاد، زمینه را برای گسترش فعالیت‌های آن فراهم آورد و با تصویب شورای گسترش آموزش عالی در سال ۱۳۷۷ «پژوهشکده حوزه و دانشگاه» تأسیس شد و در سال ۱۳۸۲ به «مؤسسه پژوهشی حوزه و دانشگاه» و در سال ۱۳۸۳ به «پژوهشگاه حوزه و دانشگاه» ارتقا یافت.

پژوهشگاه تاکنون در ایفای رسالت سنگین خود خدمات فراوانی به جوامع علمی ارائه نموده است که از آن جمله می‌توان به تهیه، تألیف، ترجمه و انتشار ده‌ها کتاب و نشریه علمی اشاره کرد.

این کتاب در حد دو واحد درسی برای آشنایی با روان‌شناسی اسلامی در مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد توصیه می‌شود.

از استادان و صاحب‌نظران ارجمند تقاضا می‌شود با همکاری، راهنمایی و پیشنهادهای اصلاحی خود، این پژوهشگاه را در جهت اصلاح کتاب حاضر و تدوین دیگر آثار مورد نیاز جامعه دانشگاهی یاری دهند.

در پایان پژوهشگاه لازم می‌داند از نویسندگان این کتاب حجج اسلام آقایان مرتضی فرقانی، نجیب‌الله نوری و علیرضا شیخ‌شعاعی و اساتید ناظر بر این طرح آقایان آیت‌الله سیدمحمد غروی و حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر مسعود آذربایجانی و اساتید ارزیاب آقایان دکتر علی فتحی آشتیانی و حجت‌الاسلام محمدرضا سالاری فر تقدیر و تشکر کند.

## فهرست مطالب

۱	مقدمه
۷	فصل اول: ماهیت روان‌شناسی
۷	تاریخچه روان‌شناسی
۸	دوره فلسفی روان‌شناسی
۸	تاریخچه فلسفی روان‌شناسی در غرب
۱۰	تاریخچه فلسفی روان‌شناسی در میان اندیشمندان مسلمان
۱۲	دوره علمی شدن روان‌شناسی
۱۲	روان‌شناسی علمی در اروپا و آمریکا
۱۳	مکتب ساخت‌گرایی
۱۴	مکتب کنش‌گرایی
۱۴	مکتب رفتارگرایی
۱۵	مکتب گشت‌الت
۱۶	مکتب روان‌تحلیلگری
۱۶	مکتب انسان‌گرایی
۱۷	مکتب ساخت‌گرایی
۱۸	عصر پس از مکتب
۱۹	تعریف روان‌شناسی
۱۹	تعریف‌های روان‌شناسی بر حسب پیشینه تاریخی
۲۰	هدف روان‌شناسی
۲۱	کاربرد روان‌شناسی در زندگی
۲۲	روش‌های تحقیق در روان‌شناسی
۲۳	الف) روش‌های تجربی
۲۴	ب) روش‌های غیر تجربی
۲۴	حوزه‌های روان‌شناسی

۲۷	فصل دوم: ضرورت روان‌شناسی اسلامی
۲۷	مقدمه
۲۹	الف) وجوه سلبی
۳۰	۱. مبانی و پیش‌فرض‌ها
۳۱	مبانی فلسفی و انسقن‌شده‌ختی
۳۴	مبانی معرفت‌شده‌ختی
۳۵	۲. روش‌شده‌سی
۳۵	کهرآیی و محدودیت‌های روش تجربی
۳۸	مسئله مه‌هیت مده‌دی‌گرای علم جدید
۴۰	بحران نظری در روان‌شده‌سی
۴۲	۳. سوگیری‌ها
۴۳	انواع سوگیری
۴۵	جهت سوگیری
۴۶	۱. سوگیری در مبانی و پیش‌فرض‌ها
۴۶	۲. سوگیری در گزینش مسئله
۴۹	۳. سوگیری در پ‌رادایم‌خص علم (سرمشق علمی)
۵۰	۴. سوگیری‌تشی از نظریه‌ها، روش‌ها، و مقه‌هیم
۵۱	آیه وجود سوگیری‌ها همواره امری منفی است؟
۵۳	۴. تناسب فرهنگی
۵۴	در مسئله نظری
۵۴	۱. تضاد در نگرش‌های اعتقادی
۵۶	۲. التقی هویت‌تدرست
۵۷	۳. ارزش‌ها و الگوهای بهنجری
۵۸	در مسئله کهربردی
۵۹	۵. کهرآمدی روان‌شده‌سی
۶۰	توصیف، تجویز و تکنیک
۶۲	توفیق در تکنیک به فرض توصیف‌تدرست
۶۴	نقص حتی در تکنیک
۶۵	ب) وجوه ایجتهبی
۶۶	۱. آموزه‌های غنی اسلامی
۶۷	۲. موارد مثبت روان‌شده‌سی موجود
۶۸	حیطه‌های قوت
۶۸	افق‌های جدید
۷۰	ظهور نگرش‌های مثبت نسبت به دین
۷۱	فصل سوم: امکان‌سنجی، تعریف، ماهیت و مبانی روان‌شناسی اسلامی
۷۱	مقدمه

۷۱	..... امکان روان‌شده‌سی اسلامی
۷۱	..... تأثیرپذیری تحقیقات علمی از اصول و مبانی فلسفی و وجود مبنی متفقوت در اسلام
۷۳	..... مبع اسلامی سرشتر از مطلب روان‌شده‌ختی
۷۵	..... روان‌شده‌سی مکتب و نحله‌هی دیگر
۷۷	..... اشکالات مطرح در راه امکان روان‌شده‌سی اسلامی
۷۷	..... تقدس آموزه‌هی دینی و خطة‌پذیری یفته‌هی علمی
۸۱	..... تجربه‌پذیری مسئله‌ موراى مدی در روان‌شده‌سی اسلامی
۸۴	..... نسبیت‌گرایی معرفت‌شده‌ختی
۸۵	..... جبهتی بودن مسئله علمی
۸۶	..... تعریف روان‌شده‌سی اسلامی
۸۷	..... مهیت روان‌شده‌سی اسلامی
۸۷	..... رویکردهتی کلی در قبل روان‌شده‌سی موجود
۸۷	..... الف) پذیرش کامل روان‌شده‌سی موجود
۸۸	..... ب) رد کامل روان‌شده‌سی موجود
۹۱	..... ج) پذیرش روان‌شده‌سی موجود به اصلاح (شش دیدگه)
۹۱	..... دیدگه اول: تغییر در مبنی
۹۳	..... دیدگه دوم: گرفتن موضوعت و مسئله از اسلام
۹۴	..... دیدگه سوم: تغییر تنهت در هدف و کاربرد
۹۴	..... دیدگه چهارم: تغییر در روش
۹۵	..... دیدگه پنجم: تغییر در آزمودنی‌هت
۹۶	..... دیدگه ششم: تغییر در محققین و اندیشمندان
۹۶	..... ارزیابی دیدگه‌هی شش‌گنه
۹۷	..... دیدگه مورد قبول از مهیت روان‌شده‌سی اسلامی
۹۷	..... عنصر اول: مبنی روان‌شده‌سی اسلامی
۹۷	..... ۱. همخوانی مبنی روان‌شده‌سی موجود به اسلام
۹۹	..... ۲. مبنی جبهت‌شده‌ختی روان‌شده‌سی اسلامی
۱۰۲	..... ۳. مبنی انسقن‌شده‌سی روان‌شده‌سی اسلامی
۱۰۴	..... ۴. مبنی معرفت‌شده‌سی روان‌شده‌سی اسلامی
۱۰۶	..... عنصر دوم: موضوع روان‌شده‌سی اسلامی
۱۰۹	..... عنصر سوم: مسئله روان‌شده‌سی اسلامی
۱۱۱	..... عنصر چهارم: روش روان‌شده‌سی اسلامی
۱۱۳	..... عنصر پنجم: هدف روان‌شده‌سی اسلامی
۱۱۷	..... فصل چهارم: روند و مراحل تدوین روان‌شناسی اسلامی و مقتضیات آن
۱۱۷	..... مقدمه
۱۱۸	..... دلایل حرکت روان‌شده‌سی اسلامی در پرادایم کنونی

۱۲۰	موانع حرکت در پَرادایم کنونی
۱۲۰	الف) قبل مطالعه نبودن مسئله اسلامی در قلب پَرادایم کنونی
۱۲۱	دلایل تکرآمدی این مَنع
۱۲۳	ب) تضاد بین روش و نظریه در پَرادایم کنونی
۱۲۴	دلایل تکرآمدی این مَنع
۱۲۷	ج) پَرادایم کنونی و عدم دستیابی به تحول در روان‌شعسی
۱۲۸	دلایل تکرآمدی این مَنع
۱۲۹	مراحل تدوین روان‌شعسی اسلامی
۱۲۹	مرحله اول: نقد روان‌شعسی موجود
۱۳۲	مرحله دوم: مفهوم‌سازی و نظریه‌پردازی
۱۳۶	مرحله سوم: پژوهش و تحقیق به روش تجربی و غیر آن
۱۳۷	مرحله چهارم: تدوین نهایی مکتب روان‌شعسی اسلامی
۱۳۸	نظریات دیگر در مورد مراحل تدوین روان‌شعسی اسلامی
۱۳۸	دیدگاه اول
۱۳۸	مرحله اول: ستختن پَرادایم به ارائه الگو از روان‌انسن
۱۳۹	مرحله دوم: قرار دادن مفهیم جزئی روان‌شعسی و دینی در این پَرادایم
۱۳۹	مرحله سوم: نقد روان‌شعسی غرب براساس پَرادایم از قبل تعریف‌شده
۱۴۰	مرحله چهارم: مفهوم‌سازی، ارائه فرضیه، تدوین دائر المعترف و انتخاب متدولوژی
۱۴۱	دیدگاه دوم
۱۴۱	مرحله اول: تعیین پیش‌فرض‌های فلسفی
۱۴۱	مرحله دوم: گردآوری اطلاعات از منبع دینی و روان‌شعسی
۱۴۱	مرحله سوم: نظریه‌پردازی و مشخص کردن طرح تجربی اولیه
۱۴۲	مرحله چهارم: اصلاح و تکمیل نظریه اولیه به آزمون، مقایسه و مشاهده
۱۴۲	مرحله پنجم: بیقن ویژگی‌ها و امتیازات نظریه نسبت به نظریات دیگر
۱۴۲	مرحله ششم: بیقن کَرایی و قدرت توضیح نظریه در حوزه‌های مختلف
۱۴۲	مرحله هفتم: تبدیل نظریه به مدل و درنهایت پَرادایم جدید
۱۴۳	ارزیابی دیدگاه دوم
۱۴۳	دیدگاه سوم
۱۴۳	مرحله اول: بیقن مبنی و پیش‌فرض‌های روان‌شعسی اسلامی
۱۴۴	مرحله دوم: تسلط بر علم روان‌شعسی
۱۴۴	مرحله سوم: تسلط بر اصول و مبنی اسلام
۱۴۴	مرحله چهارم: اطلاع کافی از دیدگاه‌های روان‌شعسی دانشمندان مسلمین
۱۴۵	مرحله پنجم: نقد و بررسی روان‌شعسی موجود
۱۴۵	مرحله ششم: انجام پژوهش‌های نظری و تجربی براساس اسلام
۱۴۵	مرحله هفتم: برگزاری سمینارها و همایش‌های علمی



۱۴۶	مرحله هشتم: بزنویسی روان‌شده‌سی در چترچوب اسلام
۱۴۶	ارزیابی دیدگاه سوم
۱۴۷	شرایط و مقتضیات تولید علم در حیطه روان‌شده‌سی اسلامی
۱۴۷	شرایط فردی پژوهشگران عرصه روان‌شده‌سی اسلامی
۱۴۸	شرایط اجتماعی و فرهنگی در مورد روان‌شده‌سی اسلامی
۱۴۹	شرایط مدیریتی برای تحقق روان‌شده‌سی اسلامی
۱۵۰	اقدامات لازم در حوزه و دانشگاه برای پربتر شدن روان‌شده‌سی اسلامی
۱۵۱	چالش‌های موجود فراروی تولید علم
۱۵۳	<b>فصل پنجم: وضعیت نظام آموزشی و پژوهشی کشور در ارتباط با روان‌شناسی اسلامی</b>
۱۵۳	مقدمه
۱۵۴	تاریخچه روان‌شده‌سی در ایران؛ قبل از انقلاب اسلامی
۱۵۶	تاریخچه روان‌شده‌سی در ایران؛ پس از انقلاب اسلامی
۱۵۶	دوره اول: از پیروزی انقلاب اسلامی تا سال ۱۳۶۲
۱۵۷	تشکیل ستاد انقلاب فرهنگی
۱۵۹	دفتر همکاری حوزه و دانشگاه
۱۶۲	دانشگاه تربیت مدرس
۱۶۳	دوره دوم: پژوهشی دانشگاه‌ها در سال ۱۳۶۳ تا سال ۱۳۷۹
۱۶۳	گسترش آموزش روان‌شده‌سی
۱۶۴	مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره)
۱۷۸	گسترش مراکز پژوهشی
۱۷۸	پژوهشگاه حوزه و دانشگاه
۱۹۱	دفتر مطالعات اسلامی در بهداشت روانی (وابسته به انستیتو روان‌پزشکی تهران)
۱۹۵	مؤسسه مطالعاتی مشوره اسلامی
۱۹۹	سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)
۲۰۳	سازمان‌ها و انجمن‌ها
۲۰۳	انجمن روان‌شده‌سی ایران
۲۰۴	انجمن مشوره ایران
۲۰۴	انجمن ایرانی روان‌شده‌سی
۲۰۵	دوره سوم: دوران گسترش روان‌شده‌سی در ایران از سال ۱۳۷۹ تا کنون
۲۰۵	گسترش حوزه‌ها و مقطع تحصیلی مختلف در روان‌شده‌سی
۲۰۶	گسترش مراکز پژوهشی
۲۰۸	نشست‌ها و همایش‌ها
۲۰۹	دومین کارگاه روان‌شده‌سی اسلامی
۲۱۰	نخستین همایش بین‌المللی نقش دین در بهداشت روان

۲۱۱	..... نخستین کارگاه نظریه‌پردازی در روان‌شناسی اسلامی
۲۱۲	..... همایش ملی نوآوری و نظریه‌پردازی فرهنگی در مشقوره و روان‌درمندی به رویکرد اسلامی
۲۱۳	..... نشریات تخصصی
۲۱۵	..... سقزمن‌هه و انجمن‌هه
۲۱۵	..... انجمن علمی روان‌شناسی به‌لینی ایران
۲۱۷	..... سقزمن‌هه نظم روان‌شناسی و مشقوره
۲۱۸	..... انجمن روان‌شناسی اجتمعی ایران
۲۱۸	..... انجمن روان‌شناسی اسلامی
۲۲۱	..... انجمن روان‌شناسی به‌لینی کودک و نوجوان ایران
۲۲۲	..... انجمن علمی روان‌شناسی نظمی
۲۲۲	..... مراکز مشقوره
۲۲۲	..... مرکز مشقوره مؤسسه آموزشی و پژوهشی امم خمینی(ره)
۲۲۶	..... مرکز مشقوره حوزه علمیه قم
۲۲۷	..... گروه مشقوره و درمندن جمعه المصطفی‌العالمیه
۲۲۹	..... مرکز ملی پسخگوی به سؤالات دینی
۲۳۰	..... مرکز مشقوره حوزه علمیه اصفهن
۲۳۰	..... وضعیت فعلی روان‌شناسی در ایران به تمرکز بر روان‌شناسی اسلامی
۲۳۷	..... چشم‌انداز آینده روان‌شناسی اسلامی در ایران
۲۳۹	..... منابع و مآخذ
۲۳۹	..... متبع فرسی
۲۴۳	..... مقاله‌هه
۲۴۶	..... متبع لاتین
۲۴۹	..... پیوست‌ها و ضمایم
۲۵۱	..... الف) جدول مشخصات تفصیلی نشریات علمی کشور منتشرشده در حوزه روان‌شناسی
۲۵۲	..... ب) جدول قم و نشانی دانشکده‌هی روان‌شناسی در دانشگاه‌هه و مراکز آموزش عالی ایران
۲۵۳	..... ج) عنوان گرایش‌هی موجود روان‌شناسی در ایران به ذکر قم دانشگاه‌هه
۲۵۶	..... د) روان‌شناسی اسلامی در یک نگاه
۲۸۱	..... نمایه‌ها
۲۸۱	..... نمیه اعلام
۲۸۷	..... نمیه موضوعات اسلامی
۲۹۰	..... نمیه موضوعات روان‌شناسی

## مقدمه

از ابتدای تحصیل در رشته روان‌شناسی، همواره اصطلاح «روان‌شناسی اسلامی» برای من پرجاذبه و علاقه‌برانگیز بود. مشتاقانه این موضوع را در مباحث اساتید، دوستانم، رسانه‌ها، مجلات و... دنبال می‌کردم. اما همیشه احساس می‌کردم که این مطالب، اگرچه هم «برآمده از روان‌شناسی» و هم «وامدار آموزه‌های اسلامی» است اما «روان‌شناسی اسلامی» نیست و در واقع فاقد یک نظام و چینش منطقی لازم است؛ به گونه‌ای که بتوان آن را یک مکتب روان‌شناسی در کنار سایر مکاتب دانست. تقریباً هر مقاله و کتابی را که در رابطه با این موضوع می‌خواندم، این به نظر می‌رسید که نویسنده، تنها به بخشی از «روان» انسان از دیدگاه اسلام و روان‌شناسی پرداخته است. کم‌کم به این باور رسیدم که هر کس - علی‌رغم کوشش‌های زیاد و قابل تقدیر - بنا به ذوق و تخصص و فهم خود تنها به زاویه‌ای خاص و جزئی از روان‌شناسی اسلامی پرداخته است و در واقع این نظریات خاص و جزئی بودند که پس از شرح و توضیح، در مجموعه‌ای با عنوان روان‌شناسی اسلامی منتشر شده بودند.

تا اینکه در سال ۱۳۸۵ و پس از تأکيدات مقام معظم رهبری بر راه‌اندازی «جنبش نرم‌افزاری در علوم انسانی و بومی‌سازی آنها» در حوزه‌های علمیه و دانشگاه‌ها، رادیو معارف در اقدامی ابتکاری، برنامه‌ای با نام «نقد و نظر» تدارک دید که در آن کارشناسانی از حوزه و دانشگاه حول محور بومی‌سازی یکی از رشته‌های علوم انسانی مانند اقتصاد، جامعه‌شناسی، مدیریت و... به بحث و نقد و نظر می‌پرداختند. «روان‌شناسی» یکی از موضوعاتی بود که طی ۱۸ جلسه با حضور کارشناسان به بحث گذاشته شد. مباحث جذاب، علمی و گاه چالش‌برانگیزی که در این برنامه مطرح می‌شد و نیز استفاده از کارشناسانی که در میان اساتید و دانشجویان روان‌شناسی شناخته شده و در عرصه بومی‌سازی روان‌شناسی صاحب‌نظر بودند باعث شده بود من این برنامه

را همچون دیگر علاقمندان به این موضوع، جدی‌تر دنبال کنم. در این برنامه هفتگی معمولاً در هر جلسه حداقل دو کارشناس به صورت حضوری و یک کارشناس به صورت تلفنی در بحث‌ها مشارکت داشتند. از جمله کارشناسان این برنامه می‌توان به اشخاص ذیل اشاره نمود:

- آیت‌الله سیدمحمد غروی از اساتید باسابقه حوزه و دانشگاه که به جهت طی مدارج عالیّه حوزوی و کسب درجه اجتهاد و نیز مطالعات عمیق در مباحث روان‌شناختی و شرکت در همایش‌ها و جلسات نقد و نظر روان‌شناسی و همچنین تجارب مدیریتی موفق، از همان اوایل بحث اسلامی کردن دانشگاه‌ها، همزمان مدیر گروه روان‌شناسی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و گروه روان‌شناسی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) را عهده‌دار بودند.<sup>۱</sup> ایشان تقریباً در تمام جلسات این برنامه حضور داشتند.
- حجت‌الاسلام والمسلمین جناب آقای دکتر مسعود آذربایجانی از اساتید حوزه و دانشگاه و عضو هیئت علمی گروه روان‌شناسی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه که ایشان هم در تمام جلسات برنامه «نقد و نظر» شرکت داشتند.
- جناب آقای دکتر سیدمحمدحسن جلالی تهرانی، متخصص روان‌شناسی بالینی، از دانشگاه «سیپورو» که در شش جلسه در این برنامه حضور داشتند.
- جناب آقای دکتر علی فتحی آشتیانی از اساتید دانشگاه علوم پزشکی بقیةالله (عج) و عضو شورای مرکزی سازمان نظام روان‌شناسی و مشاوره جمهوری اسلامی ایران، که در چهار جلسه به صورت تلفنی در بحث‌ها شرکت داشتند.
- جناب آقای دکتر هادی بهرامی احسان، عضو هیئت علمی دانشگاه تهران، ایشان نیز در چهار جلسه این برنامه به صورت تلفنی در بحث‌ها شرکت داشتند.
- سرکار خانم دکتر شیوا خلیلی، عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی و متخصص روان‌شناسی بالینی از دانشگاه وین که در دو جلسه به صورت تلفنی در بحث‌ها حضور داشتند. هر یک از این اساتید، علاوه بر تخصص و تعهد در سطح عالی، گرایش کاملاً متمایزی به مسائل روان‌شناسی اسلامی و روان‌شناسی دین دارند که این گرایش در فعالیت‌های علمی ایشان مانند تدریس، تدوین، تألیف و ترجمه، حضور در همایش‌ها، عضویت در انجمن‌ها و سازمان‌های علمی و پژوهشی تخصصی مرتبط با دین و راهنمایی‌های پایان‌نامه‌ها و... به خوبی قابل مشاهده است.

---

۱. در زمان چاپ این کتاب، مطلع شدیم که استاد غروی از مدیریت گروه روان‌شناسی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) استعفا کرده‌اند.

در ملاقات با جناب حجت‌الاسلام والمسلمین آقای دکتر آذربایجانی تصمیم بر آن شد که جهت بهره‌گیری عموم علاقه‌مندان به موضوع روان‌شناسی اسلامی در حوزه و دانشگاه، این جلسات، پیاده‌سازی و گفتار به متن تبدیل شود. پس از پیاده‌سازی و حروفچینی محتوای جلسات، برای نزدیک‌تر کردن افق ذهنی گویندگان در جلسات و خوانندگان این اثر، متن را در برخی از قسمت‌ها چندین بار ویرایش کردیم. در بازبینی‌ها مقرر شد به جای گزارش جلسه به جلسه این مباحث و درگیر کردن خواننده با سؤال و جواب‌های مجری و کارشناسان متفاوت و احیاناً توضیحات تکراری یا نظرات کارشناسی متعارض، محتوای جلسات را در قالب یک کتاب با فصل‌بندی منطقی به خواننده ارائه کنیم.

در این صورت باید نظر کارشناسی یک کارشناس یا یک گروه از کارشناسان هم‌عقیده را ملاک قرار می‌دادیم تا خواننده، هنگام مطالعه اثر با فراز و نشیب کمتری مواجه شود. البته نظرات احیاناً مخالف دیگر کارشناسان نیز به صورت متمایزی در متن یا پاورقی بیان شده تا خواننده، خود رأی صواب را انتخاب کند.

از آنجا که در میان کارشناسان این برنامه، تنها کارشناسانی که در تمام جلسات حضور داشته و در تمام موضوعات نظر داده بودند؛ اساتید معظم آیت‌الله غروی و حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر آذربایجانی بودند، طبیعی بود که نظریات ایشان ملاک قرار گیرد.

پس از مشورت، مقرر شد که این کتاب در پنج فصل تدوین شود:

**فصل اول: ماهیت روان‌شناسی:** برای آشنایی طلاب و دانشجویان علاقه‌مند به روان‌شناسی اسلامی، که با کلیت روان‌شناسی (تاریخچه، تعریف، موضوع، هدف، روش تحقیق، قلمرو، مکاتب و رشته‌های تخصصی روان‌شناسی) آشنا نبودند؛ لازم بود قبل از پرداختن به مباحث روان‌شناسی اسلامی، یک آشنایی اجمالی با روان‌شناسی موجود ایجاد شود که فصل اول به این موضوع اختصاص داده شد. البته در راستای همین هدف، ساده‌نویسی و اختصار را فدای «به‌روز نبودن منابع علمی» نکردیم که اساتید و دانشجویان رشته روان‌شناسی به این نکته توجه خواهند داشت.

**فصل دوم: ضرورت روان‌شناسی اسلامی:** روان‌شناسی موجود چه کاستی‌هایی دارد که ما را به سمت تولید روان‌شناسی اسلامی می‌کشاند؟ روان‌شناسی اسلامی چه مزیت‌هایی دارد که در روان‌شناسی موجود به آنها بی‌توجهی شده است؟ مطالبی است که در این فصل به آنها پاسخ خواهیم داد.

**فصل سوم: امکان‌سنجی، تعریف، و ماهیت روان‌شناسی اسلامی:** مباحثی چون امکان روان‌شناسی اسلامی، تعریف، ماهیت، عناصر تشکیل‌دهنده و مبانی روان‌شناسی اسلامی از موضوعاتی است که تلاش می‌شود در این فصل به آنها پرداخته شود.

**فصل چهارم: روند و مراحل تولید روان‌شناسی اسلامی و مقتضیات آن:** فرآیند تولد مکتبی جدید از دل روان‌شناسی چگونه است؟ آیا روان‌شناسی اسلامی چنین روندی را طی کرده است؟ مراحل تولید و اقتضات روان‌شناسی اسلامی کدام است؟ اینها سؤالاتی است که تلاش می‌شود در این فصل به آنها پاسخ داده شود.

**فصل پنجم: وضعیت نظام آموزشی و پژوهشی کشور در ارتباط با روان‌شناسی اسلامی:** در این فصل با تکیه بر روان‌شناسی اسلامی، تاریخچه روان‌شناسی در ایران، وضعیت فعلی و چشم‌انداز آینده آن را بحث خواهیم کرد و با معرفی مراکز آموزشی و پژوهشی و پژوهشگران فعال در عرصه مطالعات اسلامی - روان‌شناختی، تلاش می‌کنیم به سهم خود، زمینه هم‌افزایی امکانات و استعدادهای کشور در راستای رسیدن به یک روان‌شناسی بومی و اسلامی را افزایش داده و از موازی‌کاری‌ها در این زمینه بکاهیم.

در مرحله فهرست‌نویسی برای فصول این کتاب، به نظر رسید که خوب است از دیگر نظرات اساتید و کارشناسان محترم حاضر در جلسات رادیو معارف و نیز از نظرات کارشناسان صاحب‌نظر دیگر در این عرصه هم که در کتاب‌ها و مقالات دیگرشان ارائه شده است، در این کتاب استفاده شود؛ به گونه‌ای که تا حد امکان نظرات موجود در باب روان‌شناسی اسلامی - که قبلاً منتشر شده‌اند - هم در این کتاب آورده شود تا خوانندگان این کتاب به فهم دقیق‌تری از روان‌شناسی اسلامی برسند.

این اثر از زمان طرح ایده تا انتشار آن مرهون تجربه، دانش و تدبیر استادان معظم آیت‌الله سیدمحمد غروی و دکتر مسعود آذربایجانی بوده است؛ به گونه‌ای که بدون در اختیار گذاشتن نظرات و اندیشه‌ها و منابع علمی شخصی، برگزاری چندین جلسه علمی برای گره‌گشایی و هدایت طرح، بازبینی‌های متعدد و ارائه نظرات اصلاحی و کارگشا بر متون تدوین‌شده فصول این کتاب، و حتی پیگیری‌های اداری ایشان، این کتاب مجال تدوین و انتشار نمی‌یافت. همین‌جا فرصت را مغتنم شمرده و از حمایت‌ها، هدایت‌ها و خیرخواهی‌های این بزرگواران که از زمان آشنایی با ایشان همواره شامل حال این حقیر بوده است، بار دیگر تشکر می‌کنم.

تدوین فصل دوم این کتاب حاصل تلاش دوست عزیزم جناب آقای علیرضا شیخ شعاعی، و تدوین فصول سوم و چهارم نیز مرهون زحمات دوست عزیزم جناب آقای نجیب‌الله نوری است که بر خود لازم می‌دانم از مسئولیت‌پذیری و همکاری ارزشمند این بزرگواران هم تشکر کنم، همچنین از نکته‌سنجی و بذل عنایت اساتید ارزیاب این طرح جناب حجت‌الاسلام والمسلمین محمدرضا سالاری فر و جناب آقای دکتر علی فتحی آشتیانی و نیز از همکاری همه بخش‌های پژوهشی و اجرایی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه به‌ویژه کارشناس محترم گروه روان‌شناسی جناب آقای مرتضی برزگر تشکر می‌کنم.

این کتاب قطعاً کاستی‌هایی هم دارد که جامع نبودن و به‌روز نبودن اطلاعات پژوهشی (تعداد و عناوین کتاب‌ها، طرح‌های پژوهشی در حال اجرا و در دست انتشار، پایان‌نامه‌ها، مقالات و مجلات و...) مراکز آموزشی و پژوهشی کشور - مربوط به فصل پنجم کتاب - از جمله آنها است اما به دو دلیل تصمیم به انتشار این کتاب با همین کاستی‌ها گرفته شد:

نخست آنکه متأسفانه غالب مراکز آموزشی و پژوهشی کشور گزارش جامع و روزآمدی از فعالیت‌های خودشان ندارند! در خوش‌بینانه‌ترین حالت اغلب این مراکز فعالیت‌های چند سال اخیر خودشان را می‌توانند ارائه کنند و از فعالیت‌های سال‌های نخستین یا دوران مدیریت‌های پیشین خود اگر نگوئیم هیچ گزارشی ندارند، گزارش آماده و جامعی ندارند! برخی از این مراکز هیچ پایگاهی برای اطلاع‌رسانی در اینترنت ندارند! و بسیاری از مراکزی هم که در اینترنت پایگاه اطلاع‌رسانی دارند، اطلاعاتشان به‌روز نیست! مجموعه اطلاعات فعلی حاصل پیگیری‌ها، نامه‌نگاری‌ها و تماس‌های متعدد، مراجعه‌های حضوری به برخی مراکز در دسترس، گردش فراوان در پایگاه‌های متعدد اینترنتی، مصاحبه‌های متعدد با افراد مسئول یا مطلع، جستجوی کتابخانه‌ای و... از سوی مجری طرح، همکاران، اساتید ناظر و ارزیاب طرح و کارشناسان گروه‌های روان‌شناسی برخی از مراکز آموزشی و پژوهشی، انجمن‌ها و... بوده است.

دوم، عطش روزافزون طلاب و دانشجویان علاقه‌مند به مباحث مربوط به روان‌شناسی اسلامی و تلاش ایشان برای پژوهش‌های اسلامی - روان‌شناختی است که این کتاب می‌تواند حلقه وصلی بین آنها و اساتید و صاحب‌نظران و پژوهشگران با سابقه در این عرصه باشد. ساماندهی این علایق و استعدادها در راستای پرهیز از دوباره‌کاری‌ها و موازی‌کاری‌ها در پیشبرد اهداف ما در تولید یک روان‌شناسی بومی ضرورتی انکارناپذیر است که از بدو تدوین این کتاب به آن توجه داشته‌ایم. ان‌شاءالله در ویرایش بعدی با دریافت و به‌روزرسانی اطلاعات پژوهشی مراکز مختلف، این کاستی هم برطرف خواهد شد.

خوانندگان محترم با درایت و عنایت خودشان اولاً، سایر کاستی‌ها را هم به ناپختگی و ضعف این قلم نسبت خواهند داد و نه به اندیشه و تلاش بزرگواران دیگر و ثانیاً، از باب خیرخواهی و دلسوزی از کاستی‌های قابل اغماض دیده می‌پوشانند و کجی‌ها را بزرگوارانه گوشزد خواهند نمود. ان‌شاءالله.

ما بدان مقصد عالی نتوانیم رسید «تا» مگر پیش نهد لطف شما گامی چند

**مرتضی فرقانی\***



## فصل اول

### ماهیت روان‌شناسی

#### تاریخچه روان‌شناسی

«علاقه به مبحث روان‌شناسی را می‌توان تا [زمان] قدیمی‌ترین ذهن‌های کاوشگر ردیابی کرد. ما همواره از رفتار خود در شگفت بوده‌ایم و اندیشه‌های مربوط به ماهیت و کردار انسان، کتاب‌های مذهبی و فلسفی بسیاری را پر کرده‌اند. حتی در قرن‌های چهارم و پنجم پیش از میلاد، افلاطون، ارسطو و دیگر دانشمندان یونانی با بسیاری از مسائلی که روان‌شناسان امروزی با آنها درگیر هستند، دست و پنجه نرم می‌کردند. مسائلی مانند حافظه، یادگیری، انگیزش، ادراک، خواب دیدن و رفتار غیر منطقی» (شولتز و شولتز، ۱۳۷۰، ص ۱۹).

تاریخچه روان‌شناسی را از جنبه‌های مختلف می‌توان بررسی کرد: اشخاص و اعلام روان‌شناسی، سیر تحول روان‌شناسی و نیز ظهور و بروز مکاتب و رویکردهای روان‌شناسی، که هر یک از این موارد جریان روان‌شناسی پژوهی را به سمت هدف مطلوب، هدایت کرده‌اند.

در یک نگاه کلی می‌توان تاریخچه درهم‌پیچیده روان‌شناسی را به دو دوره فلسفی و علمی تقسیم کرد.

دوره فلسفی (حدود ۵۰۰ سال قبل از میلاد آغاز و تا سال ۱۸۷۹ میلادی): این دوره به دو حوزه جغرافیای غربی و اسلامی تقسیم می‌شود.

دوره علمی یا کلاسیک (از سال ۱۸۷۹ میلادی تاکنون): این دوره را برای راحتی بیشتر بحث می‌توان به دو رویکرد روان‌شناسی در غرب و روان‌شناسی در ایران تقسیم کرد.

## دوره فلسفی روان‌شناسی

### تاریخچه فلسفی روان‌شناسی در غرب

تا پیش از علمی شدن روان‌شناسی، دانشمندان مختلفی که به موضوعات نفس و روان می‌پرداختند، بیشتر با تحلیل‌های فلسفی و استدلال‌های عقلی درباره نفس و درحقیقت ابعاد تجلیات نفس، صحبت می‌کردند و بیشتر با روش‌های فلسفی و عقلانی و کمتر تجربی، نقلی و شهودی به مباحث روان‌شناختی می‌پرداخته‌اند.

یکی از دلایلی که از این دوره به عنوان دوره فلسفی یاد می‌کنند آن است که در بحث و بررسی از مسائل نفس و روان، استفاده از شیوه عقلانی و فلسفی بر سایر شیوه‌ها (تجربی، نقلی و شهودی) غلبه داشته است؛ هرچند اندیشمندان آن زمان بررسی‌های خود را محدود به این روش نمی‌کردند.

در حدود ۲۵۰۰ سال پیش «انباذقلس»<sup>۱</sup> نظریه‌ای را مطرح کرد که همه موجودات جهان حتی انسان از چهار عنصر آب، آتش، خاک و باد (هوا) تشکیل شده‌اند. به دنبال این نظریه، «بقراط»<sup>۲</sup> ضمن کشف مزاج‌های چهارگانه (بلغمی، دموی، سودایی و صفراوی) معتقد بود که با غلبه هر یک از این چهار مزاج در بدن، حالت‌های روانی متفاوتی را در انسان می‌بینیم. مثلاً وی معتقد بود که افرادی که بیشتر دموی مزاج هستند؛ غالباً افراد خوش‌بین و بانشاطی هستند. بقراط ویژگی‌های روانی و شخصیتی و نیز نحوه عملکرد انسان را با سنخ‌های بدنی و جسمانی وی مرتبط می‌دانست (کریستینسن و دیگران، ۱۳۸۶، ص ۲۴). بقراط در رساله بیماری مقدس، استثنایی بودن بیماری صرع و معالجه آن از راه سحر و جادو را منکر می‌شود... [به نظر وی] علت بیماری صرع درواقع، حرکت غیر ارادی بلغم است و این عارضه، رسیدن هوا - یعنی حامل عقل - را به مغز که عضو مهم حیات انسانی است مانع می‌شود. در کتاب فی النسخ [نیز] بر نقش جریان طبیعی خون بر تعادل اعمال عقلی تأکید کرده است... (مولر، ۱۳۶۷، ص ۳۶).

پس از بقراط، «افلاطون»<sup>۳</sup> به مسئله ارتباط بین جسم و روان پرداخته است. به نظر این فیلسوف نامی جسم و روح دو حقیقت متمایز و مستقل از یکدیگرند که به‌طور موقت (در طول مدت عمر یک فرد) و در قالب تن با هم هستند. روح، موجودی معنوی و ابدی است و جسم، موجودی مادی و فناپذیر.

1. Empedokles

2. hippocrates

3. plato

«در نظر او روح، یک جوهر کامل و دارای منشأ الهی، جاودان و ابدی است که قبل از اقامت در بدن، [وجود داشته و] به‌طور مستقل می‌زیسته است. زندانی تن است، اما به‌طور موقت و تنها تا زمان مرگ تن» (میزیاک، ۱۳۷۱، ص ۲۲).

افلاطون نفس و بدن را دو عنصر جداگانه می‌داند اما «ارسطو»<sup>۱</sup> که یکی از مشهورترین شاگردان افلاطون و از جمله بزرگ‌ترین فیلسوفان یونان به شمار می‌آید، با این نظریه مخالف بود. ارسطو روح و جسم را دو حقیقتی واحد می‌داند که یکی بدون دیگری نمی‌تواند وجود داشته باشد. وی معتقد بود که هر شیئی از ماده و صورت تشکیل شده و هر دو به یکدیگر وابسته‌اند و هیچ کدام نمی‌تواند بدون دیگری وجود داشته و یا کامل باشند. تنها در صورتی که این دو با هم ترکیب شوند جوهری واحد را شکل می‌دهند. برای مثال ارسطو به مجسمه‌ای از برنز اشاره می‌کند که ترکیبی از ماده (یا همان برنز) و شکل (یا همان ترکیب و حالت خاص مجسمه) است که هر کدام از آنها نباشند، آن مجسمه‌ای وجود نخواهد داشت. برنز بدون داشتن شکل نمی‌تواند موجود باشد و از طرف دیگر شکل نیز وجودی از آن خود ندارد. طبق این نظریه، انسان مانند دیگر موجودات زنده (حیوانات و گیاهان) از دو بخش روح (همان شکل) و جسم (همان ماده) تشکیل شده و به مثابه یک جوهر کامل و ارگانیزم واحد و منسجم وجود دارد و عمل می‌کند (ر.ک: میزیاک، ۱۳۷۱، ص ۲۴).

ارسطو معتقد است که نفس در موجودات زنده در سه سطح، عمل می‌کند. سطح اول «نفس نباتی» است که تنها تغذیه، رشد و تولید مثل ارگانیزم را بر عهده دارد. سطح دوم «نفس حیوانی» است که علاوه بر تغذیه و رشد و تولید مثل، باعث احساس و حرکت ارادی ارگانیزم (حیوان) هم می‌شود. در سطح سوم «نفس انسانی» که ضمن دارا بودن تمام خصوصیات و توانایی‌های نفوس نباتی و حیوانی، قدرت تعقل و تفکر را نیز به انسان داده است. در نظام ارسطو عقل در انحصار انسان بوده و عالی‌ترین استعدادی است که بشر با آن می‌تواند ذات اشیا را دریابد (ر.ک: میزیاک، ۱۳۷۱، ص ۲۵).

وی برای هر یک از این نفوس و قوا، ابزار و شرح وظایفی توصیف کرده است که تفصیل آن در این مجال نمی‌گنجد.<sup>۲</sup>

1. Aristotle

۲. برای مطالعه بیشتر ر.ک: غروی، سیدمحمد، علم النفس، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۱ و فیاضی، غلامرضا، درس علم النفس فلسفی، تدوین و تحقیق محمدتقی یوسفی، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره)، ۱۳۸۹.

ارسطو بیش از دیگر بزرگان عصر خویش بر مشاهده و نیز اطلاعات تجربی تأکید داشت و برخلاف افلاطون ادراک‌های حسی را معتبر می‌دانست. «او به حقایق عینی و محسوس توجه فراوان داشت. به اعتقاد او مشاهده مستقیم چیزهای حقیقی - به غیر از حیطه‌های انتزاعی نظیر ریاضیات - اساس درک و فهم [ما] هستند» (هانت، ۱۳۸۰، ص ۳۳) و این استفاده از روش تجربی بود که به وی اجازه می‌داد فرآیندهای ذهنی و قوانین حاکم بر رفتار انسان را بهتر درک کند.

ارسطو نفس را صرفاً واکنشی به بدن می‌دانست و «معتقد بود که برای شناختن نفس و کارکردهای آن، باید تن، اندام‌های مربوط و کارکردهای آنها را به‌دقت مورد بررسی قرار داد» (کریستینسن و دیگران، ۱۳۸۶، ص ۲۴). به نظر وی عوامل طبیعی محیط از راه تحریک دستگاه‌های حسی بر بدن تأثیر گذاشته و به وسیله دستگاه‌های حسی به سیستم ادراکی (قلب) راه می‌یابند و در آنجا تصاویر ذهنی را پدید می‌آورند و در اثر ترکیب این صورت‌ها در قلب ما از محیط اطراف خود آگاه می‌شویم و تصمیم لازم و رفتار خاصی را اتخاذ می‌کنیم.

کمی پس از ارسطو، جالینوس نیز مطالعاتی بر روی شناخت ارگانیزم انجام داد. او بدن انسان را به دستگاه پیچیده‌ای تشبیه می‌کرد و معتقد بود که رشته‌هایی (رگ‌ها و رشته‌های عصبی) در بدن وجود دارند که باعث تحریک جنسی، عاطفی، عصبی و... می‌شود (کریستینسن و دیگران، ۱۳۸۶، ص ۲۴).

### تاریخچه فلسفی روان‌شناسی در میان اندیشمندان مسلمان

مقطعی از تاریخ روان‌شناسی، شاهد درخشش دانشمندان مسلمانی همچون کندی، فارابی، ابن‌سینا، بهمنیار، فخر رازی، ابوالبرکات بغدادی، غزالی، ابن‌عربی، سهروردی و ملاصدرا در عرصه فلسفه بود که با بهره‌گیری از چراغ هدایت الهی، مطالعات زیادی در حوزه‌های روان‌شناختی انجام داده‌اند. برای مثال «کندی» اولین فیلسوف مسلمان است که نقش ویژه‌ای در واکاوی مفهوم نفس و قوای گوناگون آن داشت. وی درباره عقول، شناخت، جنبه‌های اخلاقی و فضایل انسانی، خواب‌ها و رؤیاها و... نظرات ارزشمندی دارد. رساله خواب و رؤیای وی که در قرون وسطا به زبان‌های اروپایی و زبان لاتینی ترجمه شد، در بیداری اروپا (رنسانس) مؤثر بود. کندی به مسئله اندوه - که امروزه به آن افسردگی می‌گوییم - نیز پرداخته است. وی در «رساله زدودن اندوه»، اندوه را تعریف می‌کند؛ چيستی آن را بیان می‌دارد؛ علل و عوامل مؤثر بر پیدایش آن و نیز درمان و پیشگیری از آن را شرح می‌دهد (ر.ک: عانی، ۱۳۸۵، ص ۱۷۸).

«فارابی» شرحی بر کتاب علم النفس ارسطو نوشت و تلاش کرد دیدگاه‌های ارسطو و افلاطون را به هم نزدیک کند. وی همچون ارسطو، نفس را صورت بدن می‌داند اما برخلاف وی آن را منطبع در بدن - آن‌گونه که صورت منطبع در ماده است - تلقی نمی‌کند. زیرا که صورت به این مفهوم، وجودی جز در ماده ندارد و این متعارض با جوهر، روحانی بودن، و استقلال ذاتی داشتن صورت - که همان دیدگاه افلاطون است - می‌باشد. فارابی و بعد از وی «ابن سینا» این توفیق را یافته‌اند که بین دیدگاه‌های ارسطو و افلاطون آشتی برقرار کنند؛ لذا گفته‌اند نفس هم جوهر و هم صورت است. از حیث ذاتش جوهر و از جهت علاقه‌اش به بدن صورت است (اقتباس از: نجاتی، ۱۳۸۵، ص ۶۳ و ۶۴).

«ابن سینا» مسائل مربوط به نفس انسانی را به تفصیل بررسی کرد. او ادله‌ای بر تجرد نفس اقامه نمود و به قوا، کارکردها و ویژگی‌های نفس انسانی پرداخت. از جمله مباحثی که وی در کتاب قانون طرح کرد؛ کارکرد بخش‌های مغز و نقش اعصاب در بدن بود (آذربایجانی و سالاری فر، ۱۳۸۱، ص ۲۰). به عنوان نمونه، بوعلی در این کتاب که شامل مباحث پزشکی و روان‌پزشکی است؛ بیماری مالیخولیا<sup>۱</sup> - که امروزه به عنوان یکی از انواع افسردگی شناخته می‌شود - را صریحاً نام برده و به بحث در مورد آن پرداخته است (آذربایجانی، رادیو معارف، ۱۳۸۵). «ابن سینا» بیماران روانی را براساس مشاهده معالجه می‌کرد. او معتقد بود که عوامل روانی باعث بروز تغییرات در جسم و صورت فرد می‌شوند و باید شخص تحت تأثیر عواطف، احساسات یا ناراحتی‌های اجتماعی قرار بگیرد تا بدین صورت تغییر کند (کریستینسن و دیگران، ۱۳۸۶، ص ۲۴). وی گاهی با تغییراتی که در حالات روانی بیماران خودش پدید می‌آورد؛ بیماری‌های روحی و حتی جسمی آنها را درمان می‌کرد.

«غزالی» نیز به پیوند بین تن و روان معتقد بود و رفتار انسان را ناشی از فرآیندهای بدنی و روانی می‌دانست. وی فرآیندهای روانی همچون اندیشه، غم، شادی، درد و رنج، گرایش و گریز و به‌طور کلی محرک‌ها و انگیزه‌ها را مورد بحث قرار داده بود (همان، ص ۲۵). در کتاب احیاء العلوم الدین وی نیز به مطالبی در مورد شخصیت و صفات شخصیت برمی‌خوریم که امروزه هم در روان‌شناسی و در مکتبی با نام مکتب صفات در شخصیت از آنها بحث می‌شود (آذربایجانی، رادیو معارف، ۱۳۸۵). در واقع غزالی در سیر بحث‌های اخلاقی خود، به بررسی‌های فردی در مورد رفتار انسان‌ها پرداخت و ویژگی‌های روانی و شخصیت آنها را مورد تحلیل قرار داد

---

1. Melancholia

(آذربایجانی و سالاری فر، ۱۳۸۱، ص ۲۰). ابن عربی هم در کتاب فصوص الحکم درباره انسان کامل موضوعات و مباحثی را مطرح می‌کند که در روان‌شناسی قابل استفاده است (ابن عربی، ۱۳۸۶، ص ۳۰۶ و رالف استین، ۱۳۸۴، ص ۸۳).

«ملاصدرا» در باب نفس، نظر خاص و متمایزی از دیگران دارد. وی معتقد است نفس در ابتدا از جوهری مادی برخوردار است و خواص ماده را دارد؛ اما به تدریج و در مسیر تکامل، ابتدا به نفس نباتی و سپس به نفس حیوانی و در نهایت به نفس انسانی تبدیل می‌شود و در هر مرحله از ابزار و استعدادهاى مربوط به هر مرحله برخوردار می‌شود و در نهایت در مرحله نفس انسانی به درجه‌ای می‌رسد که دیگر هیچ‌یک از خواص و محدودیت‌های ماده، اعم از حجم و مکان و زمان و... را ندارد.<sup>۱</sup>

در این دوره ما دارای یک گنجینه علمی خوبی هستیم که اگر بخواهیم نگاه جامعی به روان‌شناسی - به معنای عام آن - داشته باشیم؛ نمی‌توانیم از آنها غافل باشیم. از جمله در بحث روش‌های تحقیق، اندیشمندان مسلمان ما در این دوره - دوره قبل از علمی شدن روان‌شناسی - از چهار روش مختلف تجربی، عقلی یا فلسفی، عرفانی یا کشف و شهود، و نقلی (معارفی که در آیات و روایات داریم) استفاده می‌کرده‌اند؛ که ما نمی‌توانیم و نباید از آنها غفلت کنیم (ر.ک: آذربایجانی، رادیو معارف، ۱۳۸۵).

## دوره علمی شدن روان‌شناسی

### روان‌شناسی علمی در اروپا و آمریکا<sup>۲</sup>

«در اواخر قرن هجدهم و اوایل قرن نوزدهم، تجسسات و کشفیات قابل توجهی در زمینه‌های مختلف علمی مانند فیزیولوژی، تشریح، فیزیک، شیمی و ریاضیات به عمل آمد که در پیشرفت روان‌شناسی تجربی [علمی یا کلاسیک] بسیار مؤثر بودند» (عظیمی، ۱۳۷۳، ص ۲۲).

دانشمندان بسیاری در اروپا مشغول انجام تحقیقات و آزمایش‌های تجربی در رابطه با فعالیت سلسله اعصاب و عضلات، تفاوت‌های فردی، بازتاب‌ها، فعالیت‌های ذهنی همچون حافظه، هوشیاری، آگاهی و... بودند؛ ولی امروزه تقریباً همگان اذعان دارند که مؤسس

۱. برای مطالعه بیشتر ر.ک: غروی، سیدمحمد، علم النفس، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۱ و فیاضی، غلامرضا، دروس علم النفس فلسفی، تدوین و تحقیق محمدتقی یوسفی، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره)، ۱۳۸۸.

۲. تاریخچه روان‌شناسی در ایران را به مناسبت در فصل پنجم ملاحظه خواهید کرد.

روان‌شناسی کلاسیک امروزی به‌طور رسمی یک دانشمند آلمانی به نام «ویلهلم وونت»<sup>۱</sup> است با تأسیس اولین آزمایشگاه روان‌شناسی در شهر لایپزیک آلمان در سال ۱۸۷۹ میلادی، رسماً روان‌شناسی را به عنوان علمی جدید به جهان دانش معرفی کرد.

از آنجا که روان‌شناسی کلاسیک از داده‌های برخی علوم دیگر، نظیر فلسفه، فیزیولوژی، فیزیک، زیست‌شناسی و... استفاده می‌کرد و در واقع روان‌شناسان آن زمان، قبل از اینکه به روان‌شناسی روی آورند یا پزشک بودند یا فیزیولوژیست، یا فیلسوف یا فیزیک‌دان، یا دانشمند در علمی دیگر، و از نظرگاه متمایزی به موضوعات روان‌شناسی می‌نگریستند؛ بین آنها اختلاف نظر فاحشی در مورد مسائل مربوط به این دانش و روش‌های مطالعه و یا شیوه تجربه آن به وجود آمد که به شکل‌گیری و ظهور مکاتب و رویکردهای مختلفی در روان‌شناسی انجامید.

تاریخچه روان‌شناسی را می‌توان هم براساس افراد و اشخاص و هم براساس جریان‌ها ملاحظه نمود، که هر یک برای خود تعریف خاصی از روان‌شناسی دارند؛ موضوع و مسائل خاصی برای روان‌شناسی مشخص کرده‌اند و هدف خاصی را برای مطالعات و آزمایش‌های روان‌شناختی خود تعریف کرده‌اند؛ هرچند در نهایت همه می‌خواسته‌اند قانونمندی‌های رفتاری و روانی انسان را کشف، توصیف و حتی پیش‌بینی و احیاناً کنترل بکنند (ر.ک: غروی، رادیو معارف، ۱۳۸۵). در اینجا به برخی از مهم‌ترین مکاتب‌های روان‌شناسی کلاسیک اشاره می‌کنیم:

## مکتب ساخت‌گرایی<sup>۲</sup>

از «ونت» و شاگرد انگلیسی‌اش «تیچنر»<sup>۳</sup> به عنوان مؤسسان نخستین مکتب روان‌شناسی پس از علمی شدن نام می‌برند، هرچند عده‌ای معتقدند تیچنر چیزی به مباحث وونت اضافه نکرد و صرفاً به‌خوبی از مواضع استادش در مقابل مکتب‌های دیگر دفاع نمود (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۰، ص ۸۳). برای طرفداران این مکتب موضوع علم روان‌شناسی بر محور آگاهی قرار داشت (عظیمی، ۱۳۷۳، ص ۲۶). آنها می‌خواستند با استفاده از روش علمی، فرآیندهای روانی و به‌ویژه آگاهی را در محیط آزمایشگاهی بررسی کنند. آنها معتقد بودند جهان و به‌تبع آن انسان، به منزله یک ماشین [سیستم] بزرگ است و وقتی یک ماشین، نظامدار، قابل پیش‌بینی و نیز قابل مشاهده، اندازه‌گیری و کنترل است؛ چرا انسان چنین نباشد؟ و چرا نباید او را از همین

1. Wilhelm Wundt

2. structuralism school

3. E. Titchener

دیدگاه و در پرتو همین سازوکار مطالعه کرد؟ (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۰، ص ۸۵). بنابراین، آنها درصدد برآمدند تا مانند یک شیمی‌دان که مواد را با یکدیگر ترکیب می‌کند تا ماده جدیدی را به دست بیاورد، یا یک ماده را به گونه‌ای تجزیه می‌کند که به عناصر اولیه آن دست یابد، فرآیندهای روانی را به عناصر اولیه‌اش تجزیه کنند و با کشف قانونمندی‌های آن بتوانند فرآیندهای روانی جدید و مطلوب خود را ایجاد کنند.

### مکتب کنش‌گرایی<sup>۱</sup>

مکتب کنش‌گرایی در واقع جنبشی بر علیه مکتب ساخت‌گرایی بود. دانشمندانی همچون جان دیویی،<sup>۲</sup> ویلیام جیمز،<sup>۳</sup> آنجل،<sup>۴</sup> هاروی کار و... که همگی از سردمداران مکتب کنش‌گرایی‌اند، بر این باور بودند که اصرار بر پرداختن به محتوا و اجزای آگاهی، آن هم با آن روش‌های خاص و محدود آزمایشگاهی، که مورد نظر ساخت‌گرایان بود، ثمره چندانی ندارد و ما باید به جای تمرکز بر عناصر و اجزای تشکیل‌دهنده ذهن بر فعالیت‌های ذهن تمرکز کنیم. «کنش‌گرایی بیشتر به عمل و فرآیندهای پدیده آگاهی علاقه‌مند است تا به ساختار آن. افزون بر این، مرکز این علاقه، تبیین فایده یا هدف فرآیندهای روانی یک موجود زنده، در تلاش مداوم برای تطبیق با محیط است» (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۰، ص ۲۱۳). از آنجا که این مکتب توجه خاصی به فعالیت‌های افراد داشت و نه عناصر ذهنی آنها، از هر گونه تحقیقی که به کاربرد علم در زندگی منجر می‌شد؛ استقبال می‌کرد و همین نکته باعث گسترش روزافزون این مکتب شد.

### مکتب رفتارگرایی<sup>۶</sup>

رفتارگرایان و در رأس آنها «واتسون»<sup>۷</sup> اصلاً - و حتی به اندازه کنش‌گرایان نیز - به ذهن، آگاهی و هوشیاری اعتقاد نداشتند. واتسون معتقد بود این مفاهیم، باقیمانده روان‌شناسی وابسته به فلسفه است و در مطالعه روان‌شناختی حالات و فرآیندهای روانی انسان به ما کمکی نمی‌کنند و باید

1. functionalism school

2. John Dewey

3. William James

4. James Angell

5. Harvey Carr

6. behaviorism school

7. John Watson



کنار گذاشته شوند. آنچه برای رفتارگرایان مهم بود «رفتار» بود و در واقع چیزی جز رفتار را قابل مطالعه نمی‌دانستند.

«اصول اساسی رفتارگرایی واتسون، ساده، مستقیم و مشخص بود. مکتب وی یک جنبه اصلی ایجابی و یک جنبه اصلی سلبی داشت. در جهت ایجابی، یک روان‌شناسی کاملاً عینی را پیشنهاد کرد. او طالب علم رفتار بود که با اعمال مشاهده‌پذیر سروکار دارد؛ یعنی اعمالی که می‌تواند به گونه‌ای عینی در قالب اصطلاحاتی از قبیل محرک و پاسخ تشریح شود... تأکید سلبی واتسون نفی مفاهیم ذهن‌گرایانه در روان‌شناسی بود. وی در مقابل روان‌شناسی [ساخت‌نگر و] درون‌نگرانه تیچنر و در مقابل آنچه که ناپسندگی‌های کنش‌گرایی "آنجل" می‌نامید؛ زبان به اعتراض گشود...» (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه [شکرکن و دیگران]، ۱۳۷۷، ص ۷).

رفتارگرایی با اینکه از بدو ظهور (۱۹۱۳ میلادی) فراز و نشیب‌های زیادی داشته، اما هنوز هم یکی از مکاتب پرطرفدار است.

### مکتب گشتالت<sup>۱</sup>

مکتب آلمانی گشتالت در آغاز از سوی ورتهایمر،<sup>۲</sup> کافکا،<sup>۳</sup> کهلر<sup>۴</sup> و بعدها لوین<sup>۵</sup> و بر علیه ساخت‌گرایی بنیان گرفت. طرفداران این مکتب بر روی سازمان فرآیندهای ذهنی کار می‌کردند و معتقد بودند که کل [یک مجموعه] چیزی بیش از مجموع [تک‌تک] اعضای آن است و حتی ادعا کردند که کل با مجموع اجزایش تفاوت دارد. آنها معتقد بودند که مجموع اجزا به اضافه مجموعه‌ای از روابط بین اجزا، آن کل را شکل می‌دهند. به نظر آنان برای تحلیل یک پدیده باید از مطالعه کل شروع کنیم تا ببینیم اجزای طبیعی آن، چه چیزهایی هستند. روان‌شناسان گشتالتی یا کل‌نگر، معتقدند که ذهن فعال بوده و پیوسته در جستجوی معناست. به همین جهت است که ما معمولاً در یک مکان ناآشنا در جستجوی یک چهره آشنا هستیم و گاهی اوقات چهره یک [فرد] غریبه را با چهره یک آشنا اشتباه می‌گیریم (بنسون، ۱۳۸۰، ص ۹۶).

1. Gestalt school

2. M. Wertheimer

3. K. Koffka

4. W. Kohler

5. K. Lewin

### مکتب روان‌تحلیلی‌گری<sup>۱</sup>

مکتب روان‌تحلیلی‌گری اگرچه یکی از تأثیرگذارترین و مشهورترین مکاتب روان‌شناسی است، اما در واقع رابطه‌چندانی با مکاتب قبل از خود - چه به صورت موافقت و تأیید و چه به صورت نقض و مخالفت - ندارد.

«زیگموند فروید»<sup>۲</sup> پزشک، زیست‌شناس، فیزیولوژیست، عصب‌شناس بالینی، فیلسوف و مؤسس مکتب روان‌تحلیلی‌گری، تقریباً هم‌زمان و هم‌عرض مکاتب گشتالت و رفتارگرایی و بی‌توجه به نظریات، موضوعات و روش‌های تحقیق مورد نظر آنها، مشغول بررسی و تدوین نظریه خاص خود بود. وی موضوع و روش روان‌شناسی را تغییر داد و در روان‌شناسی به جای بحث درباره‌ی احساس، ادراک، تفکر و هوش، به مطالعه و بررسی جریان‌های روانی مربوط به قسمت ناخودآگاه ذهن پرداخت. وی زندگی روانی انسان را شامل سه بخش خودآگاه،<sup>۳</sup> نیمه‌خودآگاه<sup>۴</sup> و ناخودآگاه<sup>۵</sup> و شخصیت انسان را نتیجه تعامل بُن،<sup>۶</sup> مَن<sup>۷</sup> و فرا مَن<sup>۸</sup> می‌دانست. او معتقد بود برای درمان اختلالات فرد باید به جای استفاده از روش‌های معمول روان‌شناسی در آن زمان (روش آزمایشی و کار آزمایشگاهی و درون‌نگری) از روش‌هایی همچون تداعی آزاد، تعبیر خواب و رؤیا و تحلیل روانی استفاده کرد. با این همه، تأکید و تعصب بیش از اندازه فروید بر اموری همچون نقش فوق‌العاده غریزه [یا تمایلات] جنسی، نقش بخش ناخودآگاه شخصیت بر بروز اختلالات روانی، نقش دوران کودکی بر شکل‌گیری یک شخصیت نسبتاً بدون تغییر در بزرگسالی فرد، روش تقریباً غیر تجربی او (کریمی، ۱۳۸۰، ص ۱۹۴) باعث شد تا حتی برخی همکاران نزدیکش نیز از وی کناره بگیرند. اما مکتب روان‌تحلیلی‌گری هنوز نیز یکی از مکتب‌های مهم و تأثیرگذار شناخته می‌شود.

### مکتب انسان‌گرایی<sup>۹</sup>

با ظهور مکاتب فلسفی «پدیدارشناسی» و «اصالت وجود» در قرن نوزدهم میلادی و تأثیرگذاری آنها بر بسیاری از علوم از جمله روان‌شناسی، نهضت‌هایی در روان‌شناسی به وجود آمد که محور

1. psychoanalysis school  
3. self-conscious  
5. unconscious  
7. ego  
9. humanistic school

2. Froied Zigmond  
4. subconscious  
6. Id  
8. super ego

همه آنها توجه به انسان به منزله یک شخص، فردی با مشکلات و مسائل خاص خود و منحصر به فرد و... بود. از جمله معروف‌ترین این نهضت‌ها، می‌توان از مکتب انسان‌گرایی نام برد (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه [شکرکن و دیگران]، ۱۳۷۷، ص ۴۰۵).

انجمن روان‌شناسان انسان‌گرای آمریکا این نهضت را چنین تعریف کرده است: روان‌شناسی انسان‌گرا شیوه‌ای است که همه روان‌شناسی و نه حیطه خاصی از روان‌شناسی را دربر می‌گیرد و بر اصولی همچون احترام به ارزش‌های فرد، عدم تعصب به روش‌های پذیرفته‌شده دیگر و علاقه‌مندی به کشف جنبه‌های جدید رفتار انسان تکیه دارد. این روان‌شناسی بیشتر به موضوعاتی توجه دارد که در نظام‌ها و نظریه‌های پیشین کمتر به آنها پرداخته شده است. موضوعاتی مانند عشق، خلاقیت، مفهوم «خود»، ارگانیزم، تعالی «من»، خودمختاری و استقلال، احساس مسئولیت و... (همان، ص ۴۳۵).

کارل راجرز<sup>۱</sup> و ابراهام مزلو<sup>۲</sup> از جمله معروف‌ترین روان‌شناسان انسان‌گرا هستند که توانسته‌اند دید مثبت به انسان را در میان عموم روان‌شناسان گسترش دهند.

### مکتب شناخت‌گرایی<sup>۳</sup>

همزمان با ظهور مکتب انسان‌گرایی، و با پیشرفت‌های بشر در مقوله محاسبات به وسیله رایانه و نیز تحت تأثیر افکار روان‌شناسان کل‌نگر؛ تنی چند از روان‌شناسان از جمله میلر<sup>۴</sup>، برونر<sup>۵</sup> و بعدها پیازه<sup>۶</sup> ضمن انتقاد شدید از رفتارگرایان به جهت تقلیل انسان به سطح یک ماشین بزرگ و یا حتی یک موش باهوش! - چون فرض بر این بود که هیچ پدیده روان‌شناختی وجود ندارد مگر اینکه بتوان آن را در یک موش نشان داد - پایه‌گذار مکتبی شدند که معتقد بود شناخت در هر کاری که انسان انجام می‌دهد دخیل است و باید برای مطالعه رفتارهای انسان به «عقل سلیم» بازگشت و ذهن را نیز همچون رفتار مطالعه کرد. از این رو باید در مورد نحوه ادراک، نحوه تشکیل مفهوم، حافظه، زبان و... تحقیق کرد. اولریک نیسر<sup>۷</sup> که از او به عنوان «پدر روان‌شناسی شناختی» یاد می‌شود؛ شناخت را این‌گونه تعریف می‌کند: «فرآیندهایی که توسط آن [ها]،

1. Carl Ransom Rogers

2. Abraham Harold Maslow

3. cognitive school

4. Miller, G. A.

5. Bruner, J. S.

6. Jean Piaget

7. Ulric Neisser

درون داد حسی دچار تغییر، تقلیل، سنجش، ذخیره، بازیابی شده و به کار گرفته می‌شود. شناخت در هر کاری که انسان انجام می‌دهد؛ دخیل است» (بنسون، ۱۳۸۰، ص ۱۰۶).

### عصرِ پس از مکاتب

با اینکه شماری از تاریخ‌نویسان روان‌شناسی، تحولات پس از دوره روان‌تحلیل‌گری (و حتی نهضت‌های انسان‌گرایانه و شناخت‌گرایانه) را به عنوان یک مکتب قبول ندارند؛ اما تقریباً همه تاریخ‌نویسان معتقدند پس از مکاتب انسان‌گرایی و شناخت‌گرایی، دیگر نمی‌توان تحولات رخ داده در این علم را تحت عنوان مکتبی خاص ذکر کرد. در واقع پس از دوره توفانی بلوغ روان‌شناسی و تثبیت روان‌شناسی، به عنوان شاخه‌ای مستقل از علوم - و کاملاً مستقل از فلسفه - و با اختراع رایانه<sup>۱</sup> و نیز پیشرفت‌های عظیم در علوم مختلف از جمله زیست‌شناسی، فیزیولوژیک، ریاضیات، آمار و محاسبات، فیزیک و شیمی، ارتباطات، روان‌پزشکی و رشته‌های مختلف مهندسی و شکسته شدن مرزهای دانش و گرایش دانشمندان به انجام تحقیقات «میان‌رشته‌ای» و مشترک با یکدیگر می‌شود ادعا کرد که روان‌شناسان امروزی ضمن پرهیز از نفی کامل مکاتب و نظریات و حتی علوم دیگر به استفاده تلفیقی از مبانی، موضوعات، مفاهیم و روش‌های قابل استفاده نظریات مختلف در تدوین نظریات خود روی آورده‌اند. با این حال هنوز، هم مکاتب سابق به فعالیت خود ادامه می‌دهند و هم نگرش‌های مشابه و نظرگاه‌های مشترکی در برخی از موضوعات، مبانی، روش‌ها و... در میان روان‌شناسان وجود دارد که علاقه‌مندند پیرامون آن مسائل و گاهی با عنوان متمایزی - مانند روان‌شناسی مثبت، روان‌شناسی دین، روان‌شناسی ورزش، روان‌شناسی اسلامی و... - فعالیت کنند. فرق این گرایش‌ها و جنبش‌ها با مکتب‌های گذشته در این است که معمولاً مؤسس خاصی ندارند؛ محدودیت‌های التزام به مبانی و مفاهیم یک مکتب - مثلاً پذیرش اصل تأثیر اساسی و غیر قابل تغییر دوران کودکی در شخصیت فرد در بزرگسالی‌اش در مکتب روان‌تحلیلگری - را ندارند؛ می‌توانند روش‌های متفاوتی در تعریف، توصیف، پیش‌بینی و کنترل یک پدیده داشته باشند و... (با اقتباس از: کریمی، ۱۳۸۰، ص ۱۹۹ و ۲۰۰).

۱. توان کامپیوتر به روان‌شناسان امکان داد تا درباره فرآیندهای ذهنی پیچیده نظریه‌پردازی کنند و سپس با شبیه‌سازی نظریه در کامپیوتر به بررسی تلویحات آن پردازند (به نقل از: اتکینسون و هیلگارد، زمینه روان‌شناسی، ج ۲، ترجمه محمدنقی براهنی و همکاران، تهران: انتشارات رشد، ۱۳۸۰، ص ۴۳۷).

## تعریف روان‌شناسی

روان‌شناسی از زمان علمی شدن آن تا کنون، بارها با تغییر موضوع یا ظهور مکتبی جدید، تعریف‌های مختلفی به خود دیده است؛ به گونه‌ای که واقعاً نمی‌توان تعریف واحدی از روان‌شناسی در این سال‌های گذشته ارائه داد. برای آشنایی بیشتر با این سیر تاریخی مناسب است نخست چند تعریف از روان‌شناسی در زمان‌های مختلف ارائه شود و سپس تعریف مورد توافق روان‌شناسان امروزی بیان گردد. البته ذکر این نکته نیز لازم است که اگرچه پرداختن به مسائل «روان» به پانصد سال قبل از میلاد بازمی‌گردد، اما عملاً با علمی شدن روان‌شناسی در سال ۱۸۷۹ بود که نخستین تعریف از روان‌شناسی ارائه شد.

### تعریف‌های روان‌شناسی بر حسب پیشینه تاریخی

- سال ۱۸۸۴ میلادی: روان‌شناسی، علم [مطالعه] روح است (کرسینی، ۱۹۹۹، ص ۸۷۴).
- سال ۱۸۹۰ میلادی: روان‌شناسی، علم [مطالعه] زندگی روانی در هر دو جنبه «جلوه‌های ظاهری رفتار»<sup>۱</sup> و «حالات [درونی انسان]»<sup>۲</sup> است (همان).
- سال ۱۹۰۴ میلادی: روان‌شناسی، علم [مطالعه] ذهن است؛ نه چیزی بیش از آن و نه چیزی کمتر از آن (همان).
- سال ۱۹۴۰ میلادی: روان‌شناسی، علمی است که به [مطالعه و بررسی] ذهن و فرآیندهای ذهنی - همچون هوشیاری، احساس، حافظه و... - می‌پردازد (همان).
- سال ۱۹۶۱ میلادی: روان‌شناسی، علمی است که به مطالعه [و بررسی] رفتار انسان و حیوانات می‌پردازد (همان).
- سال ۱۹۸۷ میلادی: روان‌شناسی، علم [مطالعه] ذهن و رفتار است (همان).
- سال ۱۹۹۴ میلادی: روان‌شناسی، مطالعه علمی فرآیندهای ذهنی هوشیار و ناهوشیار و نیز رفتار [های] موجودات زنده است (همان).
- سال ۲۰۰۱ میلادی: روان‌شناسی، علم مطالعه ماهیت،<sup>۳</sup> کارکردها و جلوه‌های ظاهری [رفتار و تجارب ذهنی است (کلمن، ۲۰۰۱، ص ۶۰۰)].

1. phenomena

2. conditions

3. nature

— سال ۲۰۰۶ میلادی: روان‌شناسی، علم مطالعه ذهن، علم مطالعه رفتار انسان، علم مطالعه فرآیندهای روانی و هیجانی است (فرهنگ لغت بابلون، به‌روزشده در تاریخ ۵/۱۰/۲۰۰۶، ذیل واژه "psychology").

— سال ۲۰۰۹ میلادی: روان‌شناسی، مطالعه علمی رفتار افراد و فرآیندهای ذهنی آنهاست (فرهنگ لغت پایگاه انجمن روان‌شناسی آمریکا در اینترنت، ذیل واژه "psychology"، ۱۳۸۸/۹/۲۱).

شاید مختصرترین و جامع‌ترین تعریفی که برای روان‌شناسی ذکر شده این تعریف باشد که روان‌شناسی، مطالعه علمی رفتار و فرآیندهای روانی انسان<sup>۱</sup> است. البته با قدری دقت روشن می‌شود که این تعریف، همه تعریف‌های امروزی دیگر را نیز در خود دارد. وقتی می‌گوییم مطالعه علمی، مقصود مطالعه‌ای است که روشمند بوده و براساس روش‌های تجربی و فرضیه و آزمون - یا روش‌های دیگری که در مجموعه علم پذیرفته شده است - به سرانجام رسیده باشد.

در این تعریف منظورمان از رفتار، بیشتر جنبه‌های آشکار رفتار انسان، اعم از اعمال و گفتار است و منظور از فرآیندهای روانی - با اندکی مسامحه - تمام جنبه‌های نامشهود و پنهانی رفتار انسان است. برای مثال، اندیشه‌های انسان (اعم از استدلال‌ها، داورى‌ها، قضاوت‌ها، و...)، جنبه‌های احساسی و عاطفی انسان (مثل انگیزش، هیجانات، ترس‌ها، عقده‌ها، آرزوها، امیدها و...) و جنبه‌های فیزیولوژیکی (مانند تغییرات در سیستم عصبی یا سیستم غددی و تأثیر آنها بر حالات جسمی و روانی انسان) که می‌توانیم آنها را زیر عنوان فرآیندهای روانی، طبقه‌بندی کنیم (ر.ک: غروی، رادیو معارف، ۱۳۸۵ و آذربایجانی، رادیو معارف، ۱۳۸۵).

## هدف روان‌شناسی

هدف روان‌شناسان از مطالعه علمی رفتار و فرآیندهای روانی انسان، توصیف، تبیین، پیش‌بینی و کنترل رفتارها و فرآیندهای روانی و در نتیجه کشف قانونمندی‌های حاکم بر رفتار انسان است (آذربایجانی، رادیو معارف، ۱۳۸۵ و غروی، رادیو معارف، ۱۳۸۵). روان‌شناسی به ما کمک می‌کند تا یک رفتار خاص، مانند ترس کودک از مدرسه را به‌خوبی و با روش‌های علمی توصیف

---

۱. البته برخی موضوع روان‌شناسی را از انسان به تمام موجودات زنده گسترش داده‌اند، که از محل بحث ما خارج است.